۲

# میراث فرهنگی

# ایرانیان

## درسرزمین های دیگر...

بانک اطلاعاتی میراث فرهنگی
عبدالله زرافشان

# پیشگفتار

***برگرفته ازکتاب «هنرایران باستان» اثرفردریش ساره***

*ایرانی ها، مانند نیاکان اسکاندیناوی ها وآلمانی ها، ارادۀ خودبخودی درخصوص موضوع هنرنداشتند. نه تحت نام هخامنشی، نه تحت نام پسرارشک ، نه بعدها تحت نام ساسانی، ونه حتی دردوران اسلامی، ایران برخوردار ازشیوه ای که ازاساس ازخودآنها بوده باشد، نبودند، ولی به خوبی می دانستند چگونه ذوق وسلیقۀ آشوری ها، هندی ها، یونانی ها، و رومی ها را بگیرند وبه این عاریه ها شایستگی بخشیده وآنهارا به تکامل برسانند.*

**ازنوشته ای ازگوبینوی فرانسوی**

**ما ایران باستان را نخستین ازدو دوره ای که تاریخ ایران را تشکیل می دهد، می نامیم. این دوره ازپنج سده پیش ازمیلادآغازوتا هفتمین سدۀ میلادی ادامه پیدا می کند، ازکورش بزرگ، بنیانگذار سلسلۀ هخامنشی و اقتدارایران، تا سقوط امپراتوری ساسانی وتسلط اسلام برآن، که درمیانۀ آن پارت ها یااشکانیان نیز قرار می گیرند. ایران باستان زرتشتی تقریباً دوازده سده رادربرمی گیرد، تقریباً برابر با زمان تسلط اعراب تا به امروز. بررسی وشناساندن این دوازده سده دراین نوشتۀ محدود وتأمین خواست علاقمندان همراه با رعایت موازین علمی، کارساده ای نیست. ولی این بدان معنی نیست که به وضعبت وشرایط ویژه ای که دراین دورۀ زمانی حکومت داری را میسّرنمود ونیزتحولات مادّی منجربه اعتلای فرهنگی درسرزمین های مورد نظرفراهم ساخت، نپردازیم.**

باتوجه به سلسله جبال های مرتفعی که ایـران رادربرگرفتـه اسـت، ایـن فـلات مرتفع درخاورمیانه ونزدیک، سرزمینی ویـژه واسـتثنائی بشـمارمی رفتـه اسـت. از دریای خزر تا جلگهٔ توران درشمال، ازخلیج فـارس تـا اقیـانوس هنـد درجنـوب، ازهندوکش تا دجله، موانع کوهستانی آن تنهادردونقطه درسرزمین هـای همسـایه بایکدیگرتلاقی می کنند: درشمال غربی با فلات ارمنستان، وشمال شرقی بـا سلسـله جبال مرکزی آسیا. ایران را ازجهت فرهنگی نمی توان چندان مرتبط با کّل آسیا که ازپامیر و هندوکش یعنی بام دنیا شروع می شود، دانست؛ می تـوان گفـت کـه ایران پُلی است میان آسیای اصلی و سـرزمین هـای مدیترانـه ایِ آسـیای(خـاور) نزدیک. این موقعیت جدا افتادگی، ولی درعین حال قطع نشده ازجهان اطرافش، اهمیت فراوانی درتحولات تاریخی ونیزدگرگونی های اخیـردراین سـرزمین هـا داشته و به ایران شرایطی ویژه داده است. ایران یا به عبارتی فلات ایران که نسبتاً دیر حضور سیاسی یافت، یک باره توسط کورش به یک پـارچگی واتحـاد رسـید، ویک پارچگی و استقلال ودرواقع شکل حکومتی خودرا، با برخی نشیب وفرازهـا، طی ۲۵۰۰ سال یا به نوعی تا عصرحاضرحفظ کرد. ایران که طی زمان های کـم و بیش طولانی نوبت به نوبت توسط اسکندر وهلنیسم، عرب ها واسلام، مغول هـا بـه سرکردگی چنگیز وتیمور، روس ها وانگلیسی ها موردِ تاخت وتازقرارگرفته و نـژاد آریای اش با نژادهای مهاجم ازآسیای مرکزی درآمیخته است، بسی مخـاطرات از این دست را ازسرگذرانده وموجودیت ویکپـارچگی رابازیافتـه اسـت. هنردرنـزد ایرانی ها نیزدچاراینگونه فرازونشیب ها بوده است. هنرهخامنشی که درتمـاس بـا آشوری ها، دولت های آسیای صغیر ومصر پایه گذاری شد، مبانی درست وحساب شده ای داشت درحالیکه هنرهلنیسم یونانی ونیزاشکانی اینگونه نبودند. سنت های هنری هخامنشی سینه به سینه به ساسانیان منتقل شد.

ونیزهنرساسانی ازدرون هنرهخامنشی ظهورکرد وپایه وریشه ای مسـتحکم پیـدا کرد، به همین ترتیب دردومین دورهٔ مهّم یعنی عصراسلامی، حفظ گردیـد. کتـاب شاهنامهٔ فردوسی یادگار دوران اقتدارباستانی را جاودانـه سـاخت. حکایـت هـا و

افسانه های ساسانی، داستان خسرووشیرین، بهرام گور ورستم به میراث عصر اساطیری وقهرمانیِ ایران گره خورد و ازآن دربرابراسلام مخالف تصویر نگاری دفاع کرد. سفالگران قرون وسطی درری کوزه های خودرا به چهره ها و صحنه های برگرفته ازاشکال برجسته وتندیس های باستانی مزّین می کردند، وتا زمان فتحعلی شاه وناصرالدین شاه، پادشاهان به مانند نیاکان بزرگ خود برای جاودانه کردن خود امربه ساختن تندیس خودوتراشیدن تصویرخودبرصخرهٔ کوهها می دادند، که این کاردیگردرمشرق زمین مُدرن منسوخ شده است. ولی به هرحال در اینجا اشکال هنردردورهٔ اسلامی را ارائه نمی کنیم، ازآن جهت که نموداشکال دورهٔ ساسانی درطی سده های نخستین هجری بویژه درهنرهای صنعتی، تثبیت و حفظ شده است. آنچه دراین کارارائه می شود سنت های هنریِ ایران باستانی در ایران زمین است. هدف ما، که محدودبه پیش ازاسلام است، ارائه اطلاعات فشرده ازآثاربجای مانده ازآن دوران به کمک تصویر است که برای پرهیزازاطالهٔ کلام، درپایان توضیحات نوشتاری، کتاب شناسیِ کامل و یادداشت هائی دربارهٔ تصاویر آمده است.

برای تگارش متن ازهرآنچه که ازمیانه های سدهٔ گذشته(نوزدهم م.) عمدتاً در منابع آلمانی و فرانسه، والبته انگلیسی وروسی برگرفته ازکتیبه ها،تندیس ها، معماری وصنایع هنری آمده و تدریجاً باعث شناخت بیشتر هنرایرانیان باستان گردیده است، استفاده شده است. ازمهمترین کارهای دیولافوی، فلاندن و کوسته، مورگان وتکسیِه، کرزن، دالتون واسمیرنوف، آندرِآس واستولز، لسینگ، فون فالک، هرتزفلد وساره، که درموردمجموعه های مختلف آثارباستانی ایرانیان بصورت گزارش منتشرشده است، به دلیل سندیت وارزندگی آنها بهره گرفته ایم. آنچه که باقی می ماند وانجام نشده است عبارتست ازارائه کلّی همهٔ آثاردر مجموعه ای کوچکترولی بااستفاده ازبیان تصویری کافی ومؤثر. این نوشته بایستی بخشی ازاین کمبودرا تأمین نماید.

مؤلف بیشترآثارباستانی ایـران را درمحّـل موردمطالعـه وعکسـبرداری قـرارداده است؛ وی بیش ازیک باردربرابرصخرۀ بلندبیستون وروی ایوان(تراسه) پرسـپولیس که به دلیل بزرگی(ابعاد) وزیبائی قابل مقایسه با ویرانه های کهن دیگرسرزمین هـا نیست، توقف کرده است. تندیس ها وتراشـیده هـای اثرگذارساسـانی درغـرب و جنوب نیزموردشناسائی قرارگرفتند. دست آوردهای دوسفرطولانی برای مطالعات بویژه دریک کتاب دربارۀ نقش های برجستۀ ایران برروی صـخره هـا(باهمکـاری ارنست هرتزفلد)، که درآن مؤلف درمـورد بررسـی وتحقیـق مربـوط بـه میـراث ساسانی همکاری داشته، ارائه شده است. اغلب ترسیم هـای آمـده درکتـاب کـار مؤلف است که برخی ازآنها برای نخستین بارارائه شده ومابقی درآثار اشاره شـده در بالا آمده اند. مؤلف، به دلیل وقوع جنـگ درغـرب ایـران، دیرترازموعـدپیش بینی شده نتایج کارهایش را عرضه نموده است. مؤلف حداقل این فرصت را یافته است تا عشق وعلاقه خودرا نسبت به این سرزمین ومردم میهن پرسـت وبسـیارآگاه آن از گذشتۀ افتخارآمیزخود، عمیق ترومستحکم تر سازد. نویسنده نیزمی داند کـه لیست سیاهِی ازاشخاص که سفربه ایران به مدّت ده سال برایشـان ممنـوع بـوده و اخیراً لغو شده است، باعث دل کندن وی از حال وهوای ایرانی نشد. واین کتاب که در آن کوشش شده تصویری ازعظمت وزیبـائی هنردرایـران باسـتان را ارائـه کند، شاهدی برآنست که دوستان صمیمی وباوفای ایرانی کـه درروزهـای خـوب وبد وی را یاری دادند، فراموش نکرده ونخواهد کرد.

فردریش ساره

دسامبر ۱۹۲۱

**فردریش ساره، پژوهشگرآلمانی، دراین کتاب که حاصل تحقیقات میدانی در محّل آثارباستانی ایران زمین است، بادقت وعلاقمندی فراوان این آثاررا هم از جهت تاریخی وهم ازجهت مهارت های هنری موردمطالعه قرارداده وبه گونه ای منطقی بادیگرآثارازاین دست درسرزمین های دیگرهمچون بابل، آشور ومصر مقایسه نموده است.**

**فهرست مطالب کتاب اینگونه است:**



**گرچه هدف ماازتهیه وتدوین این مجموعۀ فشرده، اشاره به میراث فرهنگی ایرانیان درخارج ازکشوراست، ولی تصاویردیگرکتابِ فردریش ساره درمورد آثار موجود درایران نیزگویای نکات ارزشمندی است که توجه به آنها می تواند راه گشا باشد.**

# ودراین مجموعه....

براساس آنچه ازپیش برای این مجموعه هدف قرارداده ایم، پانزده دست ساز بجای مانده ازادوارپیش ازاسلام درایران همراه با توضیح کوتاه ونیز البته موزه یا محلّی که نگهداری می شوند، پیشکش می گردد.

۱) دست سازهای برنز:



نیم تنه برنزی یک شاهزادهٔ اشکانی با بلندی ۷/۵ سانتیمتر، بخش اسلامی موزهٔ برلین...



تندیس کوچک برنزی دوره اشکانی با بلندی ۱۱/۵ سانتیمتر، بخش اسلامی موزه برلین...



پادشاه ساسانی باشمشیری در دست، تندیس برنزی بابلندی ۱۱/۵سانتیمتر، مجموعهٔ ساره موزه کیزِر– فردریش، برلین.



**شیرخوابیدۀ برنزی ازشوش به طول ۴۶سانتیمتر، موزه لوور پاریس...**



**سرگاونر برنزی بابلندی ۱۳/۵ سانتیمتر، شمال غربی ایــران، موزۀ برلین...**



**ظرف بخــوربرنزی قلمکــاری از شمال غربی ایران منطقــۀ قفقــاز سده های هشتم ونهم م. مجموعــۀ کُنت بوبرینسکی پتروگراد..**



**دلو(سطل) برنزی تزئین شده با نقش برجسته، کارصنعتی دوره ساسانی – هلنی با بلندی ۱۵سانتیمتر، مجموعۀ اف. آر. مارتین، فلورانس..**



تُنگ برنز پایه دارازدوره ساسانی،
با بلنـــدی ۴۴ سانتیمترازشـمال
غربـی ایران منطقهٔ قفقاز،
مجموعه پلوتزوف، پتروگراد...



تُنگ برنز پایه دارازدوره ساسانی،
با بلنـــدی ۴۳ سانتیمترازشـمال
غربـی ایران منطقهٔ قفقاز، با تأ ثیر
ازهنرهلنی
مجموعه پلوتزوف، پتروگراد...



تُنگ برنزی پایه داردوره ساسانی بابلندی ۳۸
سانتیمتر، شمال غربی ایـران منطـقهٔ قفقـاز،
مجموعهٔ کیزر – فردریش موزه برلین



تُنگ برنزی پایه داردوره ساسانی، طلاکوب
وقلمگاربابلندی ۴۰سانتیمتر ازشمال غربـی
ایران منطقهٔ قفقاز
مجموعهٔ کُنت بوبرینسکی پتروگراد..



تُنگ برنزی قلمگاری بابلندی ۳۸سانتیمتر
بااسلوب ساسانی– هلنی ازشمال غربی
ایران منطقهٔ قفقاز
مجموعهٔ پولوتزوف پتروگراد..



ابریق برنزی بابلندی ۳۵سانتیمتر اوایل دوره
اسلامی نحت تأثیر اسلوب ساسانی ازشمال
غربی ایران منطقهٔ قفقاز
مجموعهٔ کنت بوبرینسکی پتذوگراد

تُنگ آبخوری یا بخور بابلندی ۳۵سانتیمتر اوایل دوره
اسلامی نحت تأثیر اسلوب ساسانی ازشمال غربی ایران
منطقهٔ قفقاز
مجموعهٔ کنت بوبرینسکی پتذوگراد





ابریق برنزی بابلندی ۳۹سانتیمتر اوایل دوره
اسلامی نحت تأثیر اسلوب ساسانی ازشمال
غربی ایران منطقهٔ قفقاز
مجموعهٔ کنت بوبرینسکی پتروگراد

باتوجه ودقت به تصاویرآمده دربالا، می توان به نتایج ارزنده ای دست پیدا کرد که برآگاهی های ما نسبت به توانائی های هنری وصنعتی دوران باستان ایران زمین خواهدافزود.

نکتۀ بسیارمهّمی که فردریش ساره به درستی به آن اشاره داشته اینست که از واژۀ ترکیبی هنرصنعتی دربارۀ دست آفریدهای عصرباستان ایران استفاده کرده است. درواقع آنچه که امروز ما به عنوان اشیاء تزئینی گرانبها ازآن عصروزمان در نظرداریم، ابزاروسایل زندگی مردمان دوران باستان بشمارمی رفته است. به گونه ای بیشتراین اشیاء تنها با قصدونیت تزئین ساخته نشده اند.

فلزکاری که بنابرشواهد قاطع بنیان آن درجهان درسی اَلک کاشان گذارده شده است، درادوارکهن درسرزمین ایران درسطحی بالاترازدیگرتمّدن ها قرار داشته است. فلزکاری، حتی پیش ازآمدن آریائی ها به فلات ایران، درمیان مردمان سومروایلامی متداول بوده است، وخوشبختانه دست سازهای فراوانی از این تمدّن ها درحسنلوآذربایجان یافت شده وموجوداست. شکل دادن فلزات نیاز به آگاهی ازچندوچون فلزمورد استفاده دارد تا منجربه ساخت لوازمی ازگونۀ مواردی که تصاویرشان دراین بولتن فشرده آمده است، گردد. برنزیا همان مفرغ نخستین آلیاژی بوده که بشربطورتصادفی آنرا شناخته ومورداستفاده قرارداده است. برای شکل دادن برنزبصورتی که دراشیاء مزبورملاحظه می شود، دانش و مهارت بالائی موردنیازاست. گرچه مهارت هائی ازاین دست درروزگارباستان تئوریزه وثبت نمی شده ولی دست سازهای فلزی بدست آمده ازآن دوران خود ازافزایش تدریجیِ آگاهی های فلزکاران درطی قرون واعصاردرعهد باستان دارد. نگارش دردوران باستان منحصربه تاریخ نگاران بوده واگرنکته یا نکاتی در شیوۀ هنری یا صنعتی درساخت دست سازی رانوشته باشند کارشان بیشترازسر تاریخ نگاری بوده نه نوشتن متنی علمی، صنعتی، ویا هنری... والبته هم این ها خود بهترین اسنادبرای شناخت موقعیت صنعت وهنردرآن دوران بشمارمی رود.



**فرض رابراین گرفته ایم که بیشتراطلاعات راسـتنزکنیم، ولـی ایـن بـدان معنـی نیست که تجارب ارزندهٔ پژوهشگران پیش ازخودرا نادیـده بگیـریم. ازجملـه مـی توانیم با استفاده ازروش والگوریتم پژوهشیِ بزرگان درزمینهٔ باستان شناسی، هدف خودرا بهتروسریعترمحقق نمائیم. بطورمثال، آنچـه کـه منجربـه شناسـائی دقیـق و کامل مقبرهٔ کورش بزرگ گردید، خودداستانی بس شنیدنی وپندآموزاست بـرای هرآن کس که دراین قلمرو تلاش می کند.**

**روزگاری شایدحدود۳۰۰ سال پیش، توجّـه پژوهشـگران تـاریخ وتمـدّن ایـران زمین به سازه ای که مردم بومی محّل تاآن زمان آنرا قبرننه سلیمان می نامیدنـد و اطلاعات چندانی درباره اش ثبت نشده بود، جلب شد. ازجملـه ایـن پژوهشـگران یکی موریه فرانسوی ودیگری سِررابرت پورترانگلیسی بودند. این دومحقـق درآن زمان هرآنچه که درمورد دودمان هخامنشی ثبت ومدوّن شـده بـودرا گـردآوری نموده وگام به گام ونکته به نکته پیش رفتنـدتاازجهت زمـانی بـه نزدیکـی تـاریخ ساخت "قبرننه سلیمان" رسیدند. دست آوردهای ایـن دوباسـتان شـناس وتـاریخ**

**نگار به فلاندن وپاسکال فرانسوی کمک کرد تااطلاعات تازه تری ازاین بنا را بدست آورند.**

**این ساختمانِ جالب توجه درمیانۀ دشت مرغاب درمحلّی شناخته شده بانام پاسارگاد، پایتخت ایرانِ زمان کورش، قرارگرفته وشکل آن بادیگرآرامگاه های سلطنتی، یادرحقیقت با هراثرشناخته شدۀ ایرانی ازآن زمان تفاوت دارد. هنگام یورش اسکندرمقدونی به فلات ایران، هرآنچه دردرون این بنا وجودداشت غارت واصل ساختمان نیزویران شد. فردشاخص درگروه غارتگرشخصی بودبه نام پولی ماکوس که اسکندرپس شنیدن خبراین کارناشایست، فرمان قتل وی راصادر کرده وسپس شخصی به نام آریستوبولوس را برای بازسازی این مقبره گسیل می دارد. با توجه به سبک معماری یونانی دراین سازه همه رابراین باوربود که بازسازی شده توسط آریستوبولوس است. درنزدیکی این بنا سنگ نوشته ای برفرازستونی پنج متری یافت شد که ترجمه وتفسیرآن سالها به طول انجامید وسرانجام مسّلم شد که کلام کورش است بااین واژه ها: "من کورش هستم پادشاه هخامنشی" . این نقش برجسته فردی بلند قامت رانشان می دهد به بلندی ستون به شکل انسانی بالدار و غول پیکرکه کلاهی مصری برسردارد، مدّت ها بودکه این پیکره را ازآن کورش می دانستند درحالیکه سرانجام آشکارشدکه درواقع فرشتۀ نگهبان است.**



**باستان شناس وپژوهشگرشاخصی بانام دکتر گروتفند، مّدت ها درتلاش برای رمزگشائی این کتیبه بود وعلی رغم نتایجی که بدست آورده بود، به دلیل عدم دسترسی به برخی نوشته ها در این زمینه، به کارخوداطمینان کامل نداشت، تا اینکه نسخه ای ازسفرنامه موریه به دستش می رسد ودرکمال تعجّب می بیندهرآنچه که او استنتاج کرده همانیست که پیشترموریه نیز به آن**

رسیده بوده است.

آرامگاه کورش ساختمانی است ساخته شده ازبلوک های مرمرسفید باابعادی بزرگ که برروی ستون یا کُرسی قرارگرفته وهفت پلّه بابلندی های مختلف دارد. بام سنگی آن که درهرانتها دوشیب دارد، شباهت عجیبی به معبدهای یونانی دارد، زیراهیچگونه پنجره ای ندارد فقط دارای یک ورودی کوتاه درهر انتهاست. ابعاد اُتاقک ۳/۵ مترطول، ۲/۵ مترعرض وبلندی است باکُرسی متوازی الاضلاع به ابعاد ۱۴/۵مترطول و۱۳/۵مترعرض است. هرآنچه که تاآن زمان در گرداگرد این مقبره یافت شده بود پیوندشان با پاسارگاد به اثبات رسیده بود. پیش ازشناخت ماهیّت بنا یعنی مقبره بودن آن، ارتباط آن با کورش ثابت شده بود وپس ازبررسی وتحقیق دقیق مسّلم شد که آرامگاه است، مقبرهٔ کورش بودن آن نیزثابت وتأئیدشد.

تصاویرجالبی ازآرامگاه کورش بزرگ، بصورت نقاشی پیش ازاختراع عکاسی، و بصورت عکس پس ازاختراع عکاسی درآثارپژوهشگران مختلف بجای مانده است. تصاویرقدیمی ترکه پیش ازشناسائی قاطع وکامل این بنا تهیه شده اند، آنرا قبرِ مادرسلیمان یا ننه سلیمان دانسته ودرزیرتصویرآورده اند. والبته پس ازاینکه ثابت شده است مقبرهٔ کورش است، درزیرعکس قیدشده است. درزیربرخی ازاین تصاویر همراه با زیرنویس آنها تقدیم می شود....

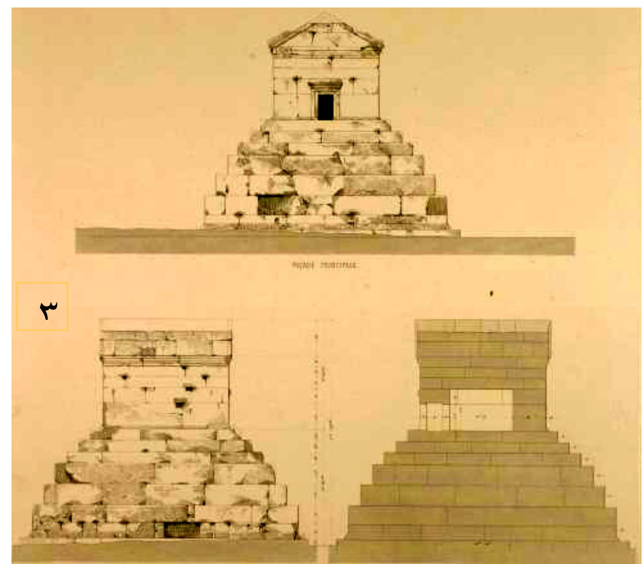


تصویرروبروکه طرح یا نقاشی ازآرامگاه کورش است در کتابی بنام "گرجستان، ایران، ارمنستان، بابل باستانی" که طی سالهای ۱۸۱۷تا ۱۸۲۰م. تألیف شده آمده است. زیر تصویرآمده است: "قبرمادر سلیمان یا کورش"







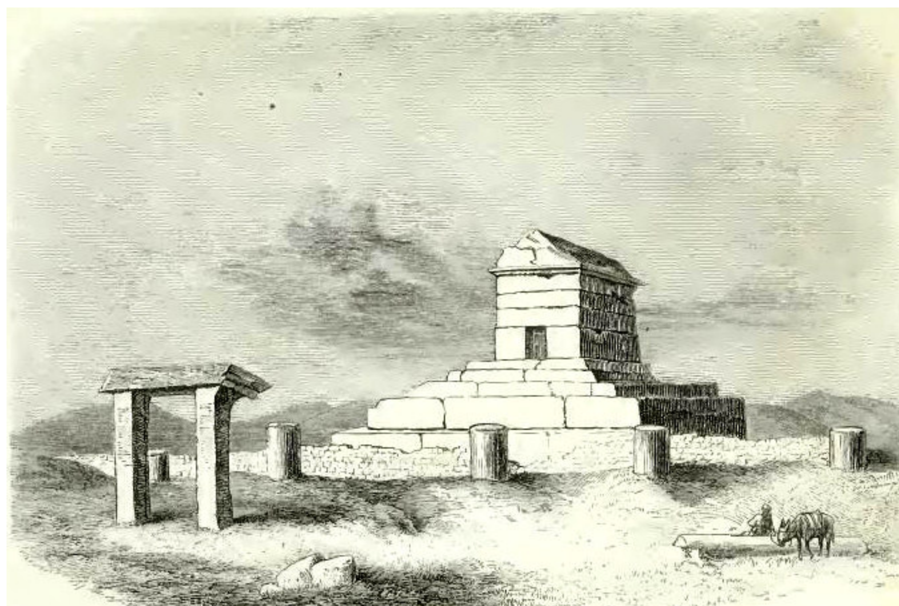



**۳ تصویرازکتاب مشهور"سفربه ایران" اثرفلاندن وپاسکال فرانسوی...**
**۱- تصویرآرامگاه کورش درپاسارگاد**
**۲- تصویرستون ۵متری نزدیک مقبره**
**۳- برش عرضی وطولی مقبره**
**تاریخ انتشارکتاب ۱۸۵۴م.**

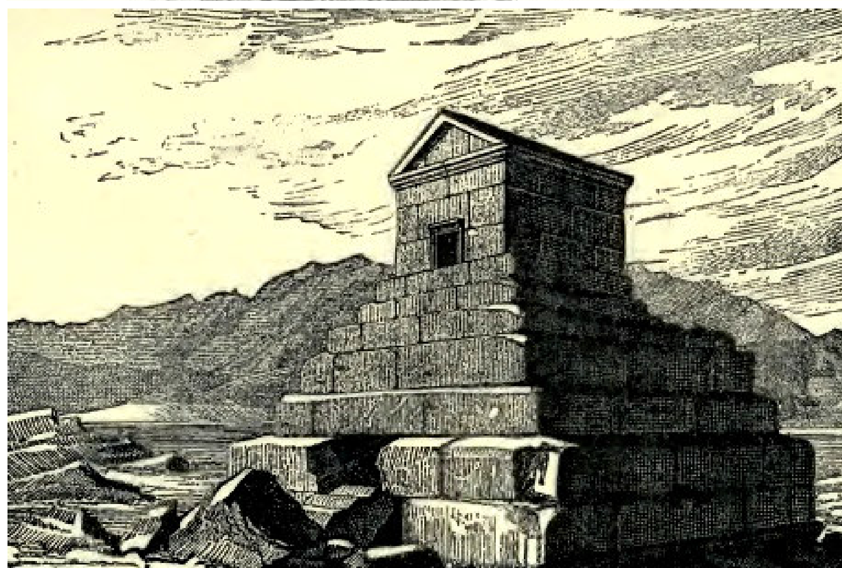


**تصویری ازستون وفرشتهٔ نگهبان روی آن ازکتابی به زبان فرانسه بنام "ایران" که زیرآن نوشته شده، نقش برجسته از مرغاب...**
**تاریخ انتشارکتاب ۱۸۴۱م.**

تصویری ازآرامگاه کورش
درکتابی آلمانی بنام:
"سیاحت ها وخاطرات من
درایران"
که زیرآن نوشته شده:
"زیارتگاه مسلمانان، بنام
مادرسلیمان"
به تاریخ ۱۸۶۷م.







دوتصویر، یکی آرامگاه کورش ودیگری پیکرهٔ فرشتهٔ نگهبان برستونی درپاسارگاد که زیرآن به غلط نوشته شده تندیس کورش.... درکتابی بنام ایران که در۱۸۸۸م. منتشرشده





دوتصویر، یکی آرامگاه کورش ودیگری پیکرهٔ فرشتهٔ نگهبان برستونی درپاسارگاد که زیر نویس هردواشتباه آمده یکی قبرمادرسلیمان ودیگری نقش برجستهٔ کورش....
درکتابی بنام"عهدباستان مشرق زمین" که در۱۸۸۹م. منتشرشده است.



واین نیزعکسی ازمقبرهٔ کورش درکتابی بنـام سرتاسرایران کـه در۱۹۰۷م. منتشرشده وزیر آن به درستی نوشته شده قبرکورش......

خوانندهٔ گرامی، هدفی که مادراین پروژهٔ تحقیقاتی دنبال می کنیم گـردآوری اطلاعاتی افزون بر آنیست که پیش ازایـن گـردآوری شـده اسـت. بنـابراین مـی کوشیم تا هرچه بیشتراین ادّعارا به اثبات برسانیم.

دربولتن آینده که مربوط به دست سازهای طلا ونقره خواهدبود، تصـاویرونکات جالبی درخصوص مهارت درکاربرد این دوفلزدرمیان ایرانیان ادوارپـیش ازاسـلام پیشکش خواهدشدکه خودتازه گام نخست برای پژوهشـی بـس گسـترده خواهـد بود.

**اسفند ۱۳۹۳**